

۱۰۸۴۷۵۲ محمد حسن انوری تفتی

بسم رب الشهداء و الصدیقین



سرباز شهید محمد حسن انوری تفتی فرزند میرزا ابوالقاسم و صغری عیوقی در تاریخ ۱۳۴۰/۶/۳ در آبادان در یک خانواده مسلمان و زحمتکش دیده به جهان گشود. محمد حسن دوران کودکیش را در تهران گذراند در نوجوانی علاقه خاص به مسائل و مجالس مذهبی داشت وی در جوش و خروش بود و قلبش بخاطر انقلاب و دستاوردهای آن می تپید

محمد حسن پس از گذراندن دوران تحصیلی راهنمایی در کسب برق کشی شروع بکار کرد و در بین آن شبانه درس می خواند محمد حسن با این همه کار و درس با آن یقین اسلامی و روح پاکی که داشت در جامعه با جنایات رژیم آمریکائی شاه معدوم و کارهای ضد اسلامی او مواجه شد لذا با آگاهی که از اسلام و قرآن داشت در اوایل انقلاب در مبارزات و تظاهرات ضد رژیم شاه شرکت کرد و تا اواخر سقوط رژیم شاهنشاهی در مبارزات اسلامی نقش بسزایی داشت و بعد از انقلاب هم جهت کمک به انقلاب در بسیج سپاه با خلوص و سادگی خویش در خیابانهای تاریک در آن شبهای سرد در جاده ها و مراکز مهم از حریم اسلامی دفاع می کرد خلوص نیت و پاکی صفا و تقوی در اعمال و حرکات حسن چنان متجلی بود که هرکس با اولین برخورد به عمق روح پر عظمتش پی می برد. بالاخره در تاریخ ۶۰/۱/۱۵ هنگامی که در بسیج خدمت می کرد برای خدمت در سپاه پاسداران ثبت نام کرد هنوز کار پذیرشش تمام نشده بود که او را برای خدمت سربازی فرا خواندند چون نمی خواست مهر غیبت در پرونده اش بخورد به خدمت سربازی رفت محمد حسن پس از گذراندن دوران آموزشی به پادگان جی تهران تقسیم شد وی علاوه بر اینکه وظیفه پاسداری بر دوشش بود با انجمن اسلامی دایره سیاسی ایدئولوژیک پادگان هم بر حسب روح تعهدی که در وجودش بود فعالیت چشمگیری داشت با این حال دلش تاب نیامد و با کوشش زیاد به هر وسیله ای که بود پس از چند ماه روانه جبهه شد او در جبهه خدمه کاتیوشا بود او در این دوران اکثر جبهه ها را برای ماموریتی که داشت رفته بود او هر دفعه که به مرخصی می آمد می گفت می خواهم بروم در قسمت پیاده اما فرمانده مان قبول نمی کند. آری سرانجام محمد حسن انوری دو سه روزی بیش نمانده بود تا پایان دوران سربازیش او دوران دانشگاهیش تمام شده در تمام امتحانات نمرات خوب آورده پس چرا قبول نشود چرا مدرک شهادت را نگیرد او در تاریخ ۱۳۶۲/۱/۱۳ در منطقه شرفانی به لقاء الله پیوست و به دیدار خدا شتافت روحش شاد باد.